

روز پنجشنبه مورخ ۶۱/۹/۲۲ برادر بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین موسوی خوئینی‌ها نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در محل نمازخانه دفتر مرکزی جهاد سازندگی در جمع جهادگران حضور یافتند و سخنان مبسوطی پیرامون جهاد و جهادگران، قانون و اساسنامه رهبری و امامت در انقلاب، مردمی بودن انقلاب، ایراد کردند. این سخنان پیرامون پیام بود و هشدار و از آنجا که در آن نکات بسیار حائز اهمیت و ارزشمند وجود دارد تصمیم گرفتیم که مبادرت به چاپ خلاصه‌ای از آن فرمایشات بنماییم امید است که با این یاد آوری‌ها جهادگران عزیز موفق به ایفای رسالت واقعی شان بشوند.

بسمه تعالی

برادر حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها، پس از سلام و درود به امام امت و شهدای گلگون گفن، سخنان خود را ابتدا در رابطه با وضع قانونی نهادها بیان داشت و گفت:

«نظراً آنچه که در مجلس نسبت به قانون می‌گذرد بدون طوابقی از آینده این قانون که برادران نسبت به آن نگران هستند اشاره کنم، که جهاد ارگانی برخاسته از قانون نیست و موجودیت آن در گرو وضع قانون نبوده و نیست، بلکه قانون منبعت از موجودیت یک ارگان و انقلاب است. مثلا جهاد و سپاه نباید نگران قانونی که برایش وضع می‌کند بشود، بلکه باید نگران انقلاب و دگرگونی که در این دو نهاد و یا احیاناً نهادهای انقلابی است باشد. جهاد برخاسته و جوشیده از انقلاب است و تا زمانی که انقلاب اصالت خود را حفظ کرده و راه صحیح را ادامه دهد، این مولود را نیز در دامن خود پرورش خواهد داد و قانون نمی‌تواند برای همیشه واقعیات را پنهان و مخفی کند و یا تغییر کلی در آن حاصل نماید، بلکه این واقعیتهاست که قانون را ایجاد می‌کند و یا آن را تغییر می‌دهد. بنابراین جای نگرانی نیست که این قانون چگونه وضع می‌شود، بلکه باید دید جهاد چگونه عمل می‌کند و در رابطه با انقلاب پیوند خود را با منشاء ولادتش تا چه اندازه حفظ می‌کند. جهاد باید آن ویژگی‌هایی را که انقلاب داشته و اکنون دارد، حفظ کند، و اینکه مسئولیت قانونی آنرا مشخص کنند، مساله نگران کننده‌ای نیست.»

و اگر خدای ناخواسته این قوانین انقلاب را مخلوق کردند، در آن صورت جهاد هم مخلوق می‌شود، اما اگر انقلاب در مسیر خود به قوانینی که هماهنگ با انقلاب نیست برخورد کرد، انقلاب آن قوانین را می‌شکند، بنابراین موالید و نهادهای انقلابی برخاسته از خود را هم با خود می‌برد و اجازه



مجبور به تغییر قانون می‌شود.  
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در ادامه گفت:  
«جهادگران باید نگران باشند تا از انقلاب عقب نمانند تا انقلاب تهدید نشود، زیرا این انقلابی که جهاد از او زائیده شده و منبعت از او می‌باشد، دارای ویژگیها و خصوصیات می‌باشد که جهادگران باید روی آن توجه داشته باشند و خود را در آن متبلور کنند، که این انقلاب اولاً بر اسلام مبتنی است و ثانیاً بر دوش خود مردم سوار است و انقلابی به تمام معنای کلمه مردمی محسوب می‌شود، و تعقیب کننده آرمانهای مردمی است، و این خود مردم بودند که انقلاب کردند و در جریان آن قرار گرفتند و این انقلاب به دسته و گروه مشخصی تعلق نداشت و نکته بعدی اینکه انقلاب بر رهبری و امامتی از نوع رهبری و امامت انبیاء متکی بود و چهارم، اینکه خرج انقلاب برای مردم کم، اما بسیار پر باز بود. بنابراین جهاد باید نگران این مساله باشد که آیا دقیقاً مبتنی بر اسلام حرکت می‌کند؟ و یا اینکه در امری خدای ناخواسته انحرافی پیدا نکند»

متن سخنرانی حجت الاسلام خوئینی‌ها در باره آینده جهادسازندگی

# جهاد باید آن ویژگی‌هایی را که انقلاب

برادر حجت الاسلام خوئینی‌ها در زمینه وظایفی که در قانون و اساسنامه به جهادسازندگی واگذار خواهد شد اشاره کرد و گفت: «اینکه در قانون و اساسنامه جهاد چه وظایفی به عهده جهاد است، چندان سبب نگرانی نمی‌شود و مساله قابل جبران است، اما چیزی که برای یک مسلمان مؤمن و انقلابی و متعهد مهم است، اینست که کاری که بر عهده اوست خدایی و آنگونه که اساس ضوابط اسلام است انجام دهد و خدای ناخواسته از انجام ضوابط و معیارهایی که برعهده این نهاد گذاشته شده کوتاهی و قصور نکند. برادران باید دقت داشته باشند که جهاد اسلامی است کار کم یا زیاد انجام دادن مهم نیست، بلکه باید ضوابط بر اساس موازین شرع و اسلام رعایت شود و کم کار کردن در این صورت بهتر از زیاد کار کردن است. برادران و خواهران جهادگر باید توجه داشته باشند که جهاد را برای گتران زندگی انتخاب نکرده‌اند، زیرا آنها زائیده و مولود انقلابند و از بطن انقلاب جوشیده‌اند و در حقیقت باید انسانها در اینجا خود را بسازند و با هوای نفسانی خود در این کار مبارزه کنند و رضای خدا را در نظر بگیرند، در این صورت است که قانون نمی‌تواند جلوی راندمان و کارایی

نمی‌دهد قوانینی که مانع حرکت آنها می‌شوند، وضع شود و ما تا کنون دیده‌ایم که انقلاب از ابتدا قوانینی را که در سر راه آن می‌ایستاد و با اصل آن هماهنگ نبود، (مانند قانون نظام شاهنشاهی) را شکست و بسیاری از مقررات و قوانین حاکم بر آن را نیز شکست و پس از پیروزی نیز قانون شکنی کرد و جهاد نیز نهایی برآمده از همین قانون شکنی بود و گرنه مسئولیتهایی را که امروز جهاد به عهده دارد، از گانی برای انجام آن وجود نداشت و بر اساس قانون این وظایف و مسئولیتهای، مسئول شخصی داشتند، ولی چون با انقلاب هماهنگ نبود، انقلاب در این مرحله نیز قانون شکنی کرد و جهاد را بوجود آورد و تاسیس نمود. سپاه نیز بر همین اساس بوجود آمد، کار سپاه نیز قبلاً مشخص بود و کاری را که اکنون آنها انجام میدهند قبلاً بخشی را ارتش و بخشی را شهربانی و ژاندارمری می‌بایست انجام دهند، ولی چون آن قوانین با انقلاب متناسب نبود، انقلاب قانون شکنی کرده و سپاه را بوجود آورد و پس از آن قانونی جدید بوجود آمد. اگر این قانونی که بدنبال جهاد و سپاه آمده با انقلاب متناسب نباشند، ولی این نهادها راه خود را در جهت انقلاب بروند، این قانون شکسته خواهد شد و قانونگذار

جهدگران را بگیرد و یا مثلاً، آیا می‌توان وجود امام را در قانون و یا حتی قانون اساسی محصور کرد؟ قانون اساسی وظایف و مسئولیتهایی به عهده رهبر گذاشته، اما وجود ایشان را نمی‌شود محدود در قانون کرد. شما هم در حد خودتان مقایسه کنید، خواهید دید که گاهی وضع خاصی پیش می‌آید که امام احساس میکند برای حفظ انقلاب باید حرکتی را انجام دهند ولو اینکه در قانون اساسی هم نباشد، همه مردم و مسئولین و نمایندگان و قانون اساسی نویسنده نیز آنرا می‌پذیرند و می‌گویند این کار صحیح است و باید انجام شود. ایشان را نمی‌توان در قالب قانون محدود کرد، او از انقلاب پاسداری میکند و اگر روزی انقلاب بخطر افتاد، از انقلاب حراست و نگهداری میکند. اگرچه در قانون اساسی آن وظیفه را بر عهده‌اش قرار داده باشند و یا نداده باشند و سپس قانون نویس و قانون آرا تمکین میکنند و جامعه هم می‌پذیرد. این ابعاد از جوهره اصلی انقلاب است و باید آنرا حفظ کرد و جهاد نیز باید مراقبت کند تا از اسلام فاصله نگیرد و تا امروز اگر جهاد پیشرفتی

**جهد و سپاه ثابت کردند که اگر مردم در حل مشکلات شرکت نکنند، کوششهایی که برای رفع مشکل میشوند نه تنها آنرا حل نمی‌کند، بلکه بر میزان آن می‌افزاید.**

**جهد و سپاه نباید نگران قانون باشند که برایش وضع می‌کنند بلکه باید نگران انقلابی باشد که در، این دو نهاد و احیانا سایر نهادهای انقلابی است.**

## لاب داشته و اکنون دارد حفظ کند

داشته که بسیار هم چشمگیر بوده، براساس اسلام بوده و هیچ چیز بجز اسلام نمیتوانست جوانها را به این وضع بکشد که اگر چه کار برایش سخت تر باشد از آن بیشتر و بهتر استقبال کند، و از آن زندگی آلوده شاهنشاهی و آن نظام فاسد نه تنها دست میکشد بلکه در جهت عکس آن حرکت میکند و تلاش میکند تا مسیر تزکیه و پاکبها را طی کند. وی همچنین به نقش اساسی جهاد در انقلاب اشاره کرد و گفت: جهاد باید مردمی باشد، یعنی آنگونه که وزارت کشاورزی و راهسازی عمل میکنند نباشد، آنها قبلاً با مقلری وسایل و ابزار و ماشین آلات برای ساختن راه و امور زراعت به روستاها میرفتند، اما مردم نه تنها با آنان همکاری نمی‌کردند بلکه اگر مسئولین راهسازی فرضا راه را برای تعمیر و یا ساختن به مدت یک هفته و یا بیشتر می‌بستند، مردم به هر شکل ممکن کار شکستی میکردند و حاضر نبودند نظمی را که مأمورین راهسازی برای مدت محدود مقرر میکنند بپذیرند، اما جهاد بعد از تشکیل، وقتی به روستاها می‌رود روش عملکردش با آنها که در گذشته به روستاها میرفتند قابل تصور نیست، زیرا جهاد گران وقتی به روستا می‌روند، با روستائیان یک الفت و محبتی بسیار نزدیک پیدا

میکند و این خصوصیتی منبت از خود انقلاب است، جهاد باید نگران این مسأله باشد که خدای ناکرده بصورت یک اداره یا سازمان و یا وزارتخانه تبدیل شود، و جهادی بودن برای عده‌ای بعنوان شغل مطرح شود بطوریکه مردم نتوانند درک کنند که کار جهاد تا چه اندازه ضروری و لازم است و آیا باید با آنان همکاری کنند و مشکلاتش را برطرف سازند و یا بدون توجه بوده و کاری به آنها نداشته باشند.

نگرانی وقتی موضوع دارد که مردمی بودن کار جهاد از بین برود، اگر جهاد مردمی بماند، نباید نگران قانون باشد، زیرا قانون نمی‌تواند جهاد را به بند کشد و محصورش کند، اگر این خصوصیت را از دست بدهد، اگر قانون هم داشته باشد، مانند وزارتخانه های دیگر میشود که هر چه خواسته اند قانون به عهده ایشان نهاده، اما قادر به انجام آن نیستند. ولی اگر جهاد مردمی بماند، هم جهاد نمیتواند نسبت به کارهای زمین مانده بی تفاوت بماند و هم مردم بسوی او می‌آیند و از او میخواهند که اینکار را انجام دهد. و بعد اگر دیدند قانون جلوی عملکردهای آنان را گرفته، قانون را تصحیح میکنند و باید دانست که واقعیتها هیچگاه تابع قانون نمیشود، بلکه

قوانین هستند که تابع واقعیتها میشوند ولو اینکه چند روزی درگیری داشته باشند، بالاخره، طبق تجربیات گذشته قانون شکست می‌خورد.

برادر حجت الاسلام موسوی خروینی ما در پیشی دیگر به مسأله امامت و رهبری در انقلاب و پیوند آن با نهادها، همچون جهاد اشاره کرده و بطور مشروح گفت: امامت و رهبری در انقلاب ما، از نوع رهبری های متعارف دنیای سیاست نیست، بنابر این نهادهای جهاد و سپاه نیز باید مقلد این گونه رهبری و هدایت باشند و آن را الگوی خود قرار دهند یعنی با همان خصوصیات و ویژگی که امام این انقلاب را هدایت و رهبری فرمود در جهاد هم باید با همان خصوصیات اداره و هدایت انجام پذیرد کسانیکه مسئول و موظف اداره جهاد هستند باید به این نکته توجه کنند که در سراسر کشور در جهاد کار میکنند با اخلاص خاصی که دارند در رابطه با انقلاب و در قبال آن احساس مسئولیت کرده و جهادگران بدانند در اینصورت قانون وضعیت آنها را مشخص نمیکند چنانکه پیوند بین مردم و امام، رابطه ای بین مردم و امام بود که مردم کمال رشد خود را در اطاعت از او میدیدند و بدون آنکه به کسی ارتباط داشته باشد. اما خردشان دریافته اند که نمی‌توانند از او اطاعت نکنند و یا او را در عواطف خود جای نهند و دوست نداشته باشند، چنانکه علاقه مردم نسبت به پیامی و اتمه اظهار هم همینطور است و ما نسبت به آنها اینطور نمی‌اندیشیم که چون قرار شده فرضا پیامی، پیغمبر باشد ما هم از او اطاعت میکنیم. امام امت را نیز مردم در جریان حرکت انقلاب خود شناختند و به این نتیجه رسیدند که او امام است و نمی‌توانند از او بیعت نکنند، یعنی در خود احساس بیگانگی میکنند. شما الان ببینید که یک لحظه خود را جدا از امام و بی اعتنا به ایشان فرض کنید، اینطور نیست که خود را جدا از امام احساس کنید، بلکه خود را از خود بیگانه می‌بینید و از خود می‌پرسید برای چه زندگی میکنید، لذا با همه وجود عشق و ایمان ما به این است که از او اطاعت کنیم، و در این نهادهای انقلابی سعی شود که این حالت رعایت شود. در اداره کار جهاد، مدیران جهاد و تشکیلات اداری آن باید طوری باشند که افراد جهاد احساس کنند اگر بخواهند در این ارگان تلاش نمایند و کار جهادی بکنند برای خردشان و فضایل نفسانی و در جهت تکامل انسانی خود عمل کنند و با مدیران جهاد همدل باشند و یک احساس بیگانگی و جدایی از نظم تشکیلاتی، جهاد نداشته باشند.

وی در پایان افزود: امیرالمومنین در یکی از سخنان خود نسبت به عمار فرمودند: بعضی از یاران من (اشاره به عمار) خرجشان برای ما کم، ولی کارشان خیلی زیاد بود. تاکنون نیز یکی از موفقیتهای جهاد در جهت خدمت به انقلاب همین نکته بوده است، یعنی کار بسیار انجام داده، اما خرجش برای انقلاب کم بوده است. اگر خدمتهای جهاد را تنها در رابطه جنگ، به غیر از مسائلی که قبل از جنگ در شهرها

